فراز و نشیب‌های سینمای دفاع مقدس

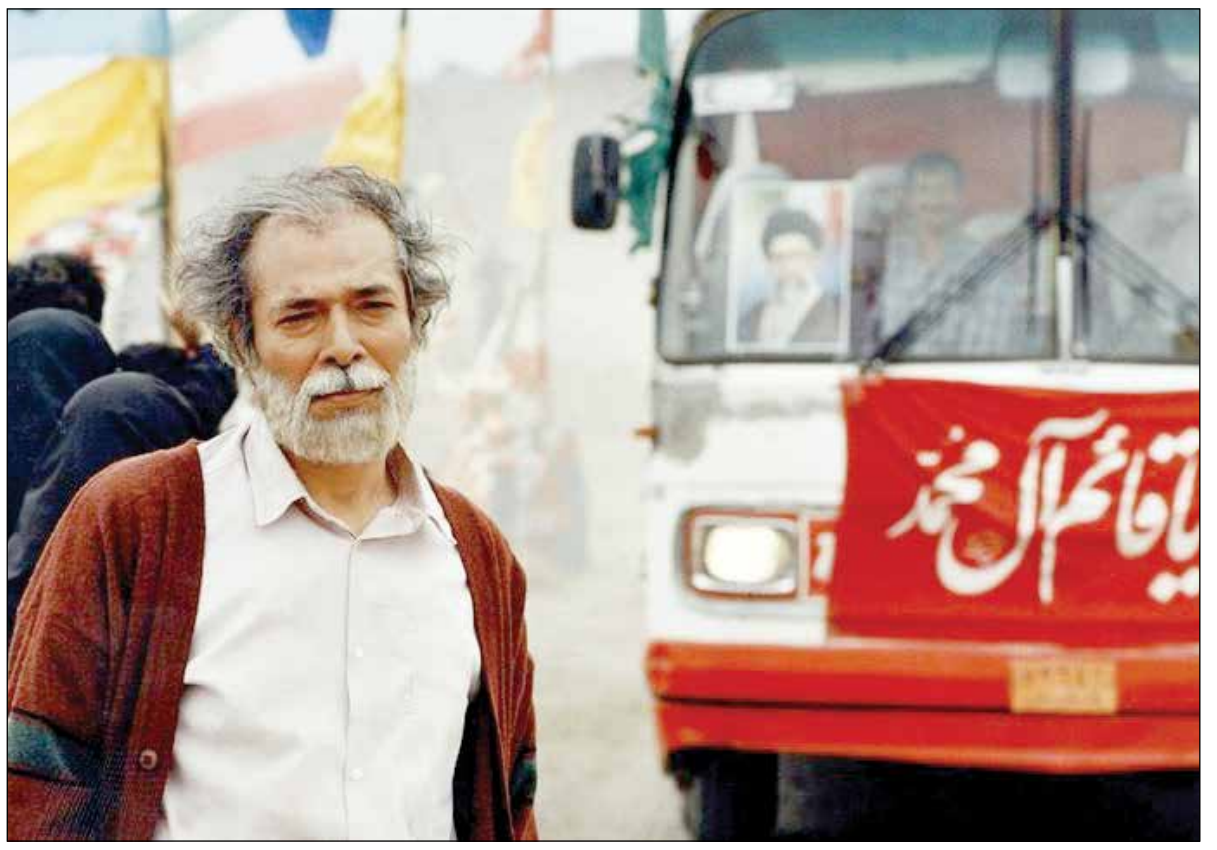

گونه دفاع مقدس، تنها گونه بومی سینمای کشور است؛ گونه‌ای کاملا وطنی که فراز و نشـیب‌های بسـیاری را به خود دیده و سیاست خاصی در پیدایش آن دخیل نبوده است.

به گزارش ایرنا، سینمای دفاع مقدس، در ابتدای دهه ۶۰، یک گونه سینمایی مستقل نبود. بیشـتر مامنی برای فیلمسازانی بود که دغدغه اجتماع داشتند. در آن سـال‌ها، سینمای ایران پذیرای دو دسته فیلمساز بود: یک دسته، کسانی که از سـینمای قبل از انقلاب آمده بودند و می‌خواسـتند به واسطه ساخت آثاری با محوریت جنگ، تطهیر شـده و به دامن فیلمسازی در نظام جدید ایران بازگردند و دسته دوم، جوانان خلاقی که تازه به ناوگان سینمایی کشور افزوده شده بودند.

بدنه فیلمسـازان سـینمای ایران در دهه ۶۰، خارج از این دو دسته نبود. به همین دلیل جنگ، وجه غالب سینمای ما مخصوصا در نیمه نخست دهه ۶۰ است. نمی‌توان از نص صریح اجتماع دهه ۶۰ سخن گفت و ردپای جنگ و کشتار را در آن لحاظ نکرد. به همین دلیل، سینمای اجتماعی آن سال‌ها که بعدا به سینمای دفاع مقدس معروف شـد، پذیرای حجم قابل توجهی از آثاری با محوریت جنگ تحمیلی بود. همین اتفاق سبب شد تا دهه ۶۰ تا به امروز، بیشترین کمیت را در سال های سینمای دفاع مقدس داشته باشد.

نیمه دوم دهه ۶۰ و جدا شدن سره از ناسره

در نیمه دوم دهه ۶۰، ورق به شـکل نامحسوسـی برگشـت. کشور در مسیر آبادانی قرار گرفت و سـینمای ایران به واسـطه چند حضور بین‌المللی، توانست تقسیم‌بندی‌هایی در حوزه گونه‌های سینمایی داشته باشد؛ همان اتفاقی که بعدا به سینمای گلخانه‌ای تعبیر شد. در اواخر دهه ۶۰، چارت فیلمسازان مشخص شده بود. البته باید به این مهم توجه داشـت که سینمای اجتماعی نیمه دوم دهه ۶۰، نتوانست همپای دیگر گونه‌ها، فرآیندی مترقی داشته باشد.

تیغ تند ممیزی بر روی سـوژه‌ها سـبب شـد تا کارگردانان، بیشتر به سراغ سـوژه‌هایی بروند که با ممیزی کمتری همراه بود. دفاع مقدس و کودک؛ دو ژانر مورد علاقه کارگردانانی بود که می‌خواستند در سینمای اجتماعی فعالیت کنند اما نمی‌توانستند به آن چیزی که می‌خواهند، برسند. به همین دلیل است که در نیمه دوم دهه ۶۰ و تا حدودی در نیمه نخست دهه ۷۰، شاهد درخشان‌ترین آثار حوزه سـینمای کودک هسـتیم. برخی کارگردان‌هایی در آن سال‌ها کار کودک انجام دادند که دیگر تا به امروز هرگز به سمت آن نرفتند. همین مولفه به صورت کج‌دار و مریز در مورد سینمای دفاع مقدس نیز اتفاق افتاد.

عقاب‌های سـاموئل خاچیکیان در سـال ۶۵ ساخته شـد و هنوز هم با بیش از ۱۰ میلیون مخاطب طی ۲ دهه نمایش، پرمخاطب‌ترین فیلم تاریخ سـینمای ایران اسـتاما قدرمسلم آن که در نیمه دوم دهه ۶۰، بیشترین کارگردانانی که به سـینمای دفاع مقدس وفادار ماندند، همان نسـل جدیدی بودند که در هیاهوی پس از انقلاب، به ناوگان سـینمایی کشور افزوده شدند. جوانانی زیر ۳۰ سال که حضوری میدانی در جبهه داشته و به مدد خلاقیت‌های فردی، روایت‌هایی ناب از این رخداد عظیم در سینه داشتند. در نوک پیکان چنین جریانی، رسول ملاقلی‌پور و ابراهیم حاتمی‌کیا بودند.

در دهه ۶۰، فیلم مرز جمشید حیدری، اولین فیلم سینمای ایران بود که درباره جنگ ایران و عراق سـاخته شـد. این فیلم، تولید آثار در این حوزه را رونق داد به‌طوری‌که در سال ۶۱، ۵ فیلم با محوریت دفاع مقدس ساخته شد. اما مهم‌ترین فیلم آن سـال‌ها یعنی دیار عاشقان، در سـال ۶۲ توسط حسن کاربخش جلوی دوربین رفت. دیگر فیلم جریان‌ساز این دهه، عقاب‌های ساموئل خاچیکیان است که در سال ۶۵ ساخته شد و هنوز هم با بیش از ۱۰ میلیون مخاطب طی ۲ دهه نمایش، پرمخاطب‌ترین فیلم تاریخ سینمای ایران است.

علاوه بر این آثار، در دهه ۶۰، فیلم‌های جدال در تاسـوکی، حریم مهرورزی، تیغ و ابریشم، کانی‌مانگا، باشـو غریبه کوچک، عروسی خوبان، عروس حلبچه و گروهبان، ازجمله مهم‌ترین آثاری بودند که به جنگ پرداختند.

دهه ۷۰ و زدودن نگاه سنتی از سینمای جنگ

در دهه ۷۰، فضا برای کار در سـینما بازتر می‌شود. گونه‌ها با تعدد آثار همراه می‌شوند و حتی گونه اکشن که در دهه ۶۰ و حتی امروز، حلقه مفقوده سینمای ملی بود و هست، با کثرت آثار همراه شده و مردم هم استقبال خوبی از این گونه به عمل آوردند. این اتفاق در نیمه نخست دهه ۷۰، نمود بیشتری دارد. البته سینمای دفاع مقدس در این نیمه، بیشتر در همان مسیر روایت‌گری دهه ۶۰ قرار دارد.

در این نیمه، دوربین سـینمای جنگ، در همان میدان‌های نبرد باقی مانده و از همـان فرمول عملیاتی برای روایت بهره می‌برد. با تکثر گونه‌های سـینمایی و توفیق هر چه بیشتر آنها، سینمای جنگ نیز نیاز مبرم خود را در یک پوست‌اندازی استراتژیک می‌بیند.

در قالب جدید سینمای دفاع مقدس طی دهه ۷۰، دیگر دوربین، تعلق‌خاطری به نمادهایی چون خاکریز، سنگر و جبهه نمی‌بیند. جای سوژه و ابژه تغییر کرده و دوربین به سـراغ آدم‌های به جای مانده از جنگ می‌روداین اتفاق در نیمه دوم دهه ۷۰ رخ می‌دهد. پیش‌قـراول چنین جریانی هم ابراهیم حاتمی‌کیا و آژانس شیشه‌ای او است. در قالب جدید سینمای دفاع مقدس، دیگر دوربین، تعلق‌خاطری به نمادهایی چون خاکریز، سنگر و جبهه نمی‌بیند. جای سوژه و ابژه تغییر کرده و دوربین به سـراغ آدم‌های به جای مانده از جنگ می‌رود. صراحت بیان آژانس شیشـه‌ای در پیاده کردن این تئوری، موافقان بسیاری به خود دید؛ هر چند که بعدها، تعداد مخالفان این نگاه، بیشتر از موافقان آن شدند.

حاتمی‌کیا پس از این اثر پر سـروصدا، به سینمای آرام پیش از این فیلم خود بازمی‌گردد اما رسول ملاقلی‌پور، این مشی انتقادی را با صراحت لهجه بیشتری به نسبت حاتمی‌کیا ادامه می‌دهد. نسل سوخته و مخصوصا قارچ سمی، حاصل این نگاه انتقادی به آدم‌های به‌جامانده از جنگ و سوءاسـتفاده‌های آنان از آن رخداد عظیم است.

مسـیر سـینمای دفاع مقدس در نیمه دوم دهه ۷۰، با سـاخته‌های این دو سینماگر، به کلی تغییر کرده و روح مطالبه‌گری، به جای تقدیس نیروهای ایرانی، مورد توجه قرار می‌گیرد. در چنین فضایی، آن حمایت‌های نسبتا همه‌جانبه که تا پیش از نیمه دوم دهه ۷۰ از آثار سینمای دفاع مقدس صورت می‌گرفت، به شکل محدودتری دنبال شد. در این نیمه، بسیاری از گونه‌های سینمای ایران با ارتقای کیفیت مفهومی مواجه شد و ملودرام به عنوان گونه غالب، توفیق‌های بسیاری در مقیاس اجرایی خود در سطح بین‌الملل به دست آورد.

در نیمه دوم دهه ۷۰، موج جدیدی از کارگردانان به سینمای ایران اضافه شدند که خاستگاهی صرفا اجتماعی داشتند؛ به ویژه پس از گشایش‌های بسیاری که در زمینه بازتعریف دغدغه‌های اجتماعی آن سال‌ها به وجود آمده بود و سینما، حیات دگرباره‌ای را به خود می‌دید.

در فصل رویش ملودرام‌ها و حتی کمدی‌های ایرانی که با استقبال بسیار خوب مخاطبان مواجه می‌شد، سینمای دفاع مقدس، در تنش با بیان برخی صراحت‌ها، نمایندگان بسیاری را از دست داد تا این گونه پس از یک دوره شکوهمند، در نیمه دوم دهه ۷۰، به تولیدات حداقلی برسد که بسیاری از آن تولیدات نیز نمی‌توانستند جریان خاصی را به هنگام نمایش و ثبت در تاریخ بیافرینند.

در دهه ۷۰، فیلم‌های مهمی به تولید رسیدند که ازجمله آنها می‌توان به بازی بزرگان، پرواز از اردوگاه، خاکستر سبز، خسوف، عملیات کرکوک، جنگ نفتکش‌ها، پناهنده، حماسه مجنون، بوی پیراهن یوسف، نجات‌یافتگان، باشگاه سری، لیلی با من اسـت، سجاده آتش، بر بال فرشتگان، از کرخه تا راین، برج مینو، روبان قرمز و هیوا اشاره کرد.

آغاز کمرنگ شدن سینمای جنگ در دهه ۸۰

در دهه ۸۰، رقابت سینماگران میان دو گونه ملودرام و کمدی درگرفت. در این دهه، کمدی‌های نازل، با شـدت هر چه بیشتر تولید شده و به گیشه‌های پررونق سینما تبدیل شدند. ابراهیم حاتمی‌کیا که پس از آژانس شیشه‌ای، اثر جریان‌سازی خلق نکرده بود، ترجیح داد بر همان مدار مدارا، فیلم بسـازد. ملاقلی‌پور اما مرد عاصی سینمای جنگ بود. بیگ‌پروداکشـن مزرعه پدری را با سرمایه ۲ میلیارد تومانی در سـال ۸۲ جلوی دوربین برد و بزرگ‌ترین شکست کارنامه‌اش را تجربه کرد. فیلم، نه در جشنواره تحویل گرفته شد و نه در اکران، به سالن‌های بیشتر از ۴۰ سینما رسید. این شکست فاحش در کارنامه مرد عاصی سینما سبب شد تا او برای مدتی، از سـینما قهر کند و سپس با ملودرام عاطفی میم مثل مادر در سال ۸۵، آخرین فیلم کارنامه‌اش را برای مردم بسازد.

درگذشـت ملاقلی‌پور در اسفند ۸۵، سینمای دفاع مقدس را با سکته ناقصی مواجه کرددرگذشـت ملاقلی‌پور در اسفند ۸۵، سینمای دفاع مقدس را با سکته ناقصی مواجه کرد. تا آن سال، سینمای دفاع مقدس، دو نماینده بزرگ داشت که حالا اصلی‌ترین آنها فوت می‌کند. رجحان نگاه کمال‌گرایانه ملاقلی‌پور به نسـبت حاتمی‌کیـا در این بود که جناح مقابل نیز به فیلم‌های او توجه داشـتند. جریان خاصی نتوانسـت ملاقلی‌پور را به نفع خود مصادره کند و همین، سـبب شد تا فیلم‌های او مقبولیت خاصی میان دو جناح سیاسـی پیدا کند. این اتفاق حتی تا امروز برای حاتمی‌کیا رخ نداده است. فارغ از این دو فیلمساز، کمتر فیلمسازی را سراغ داریم که تا نیمه دهه ۸۰، دغدغه دفاع مقدس را داشته باشد. عمده تولیداتی که در حوزه سینمای جنگ ساخته می‌شد، اگر متعلق به ملاقلی‌پور و حاتمی‌کیا نبود، در نتیجه وزش یک نسیم موقتی بود که توسط یک کارگردان، جدی گرفته می‌شد یا یک نهاد دولتی، سفارش ساخت آن اثر را داده بود.

در چنین وضعیتی که سـینمای دفاع مقدس، اصلی‌ترین فیلمساز خود را از دست داده بود، این گونه، مهجورتر شد. سینما گرایش بیشتری به سمت ملودرام‌ها پیدا کرد و نهادهای دولتی که حالا تنها حامیان گونه دفاع مقدس بودند، در طول سـال، به تولیدات انگشت‌شماری می‌رسـیدند که اکثریت قریب به اتفاق آنها با شکست‌های سنگینی در گیشه مواجه می‌شد. وضعیت سینمای دفاع مقدس در یک دگردیسی آشکار، از تلالو دهه ۶۰ خود به یک ناکامی و انزوای بزرگ در پایان دهه ۸۰ رسید که حتی نگاه حمایت‌گرانه جشنواره‌هایی هم‌چون فجر نیز نتوانست استقبال ذائقه عمومی را برای این آثار به ارمغان بیاورد.

البتـه این دهه، اتفاق‌های دیگری را نیز در گونه دفاع مقدس تجربه کرد که از جمله آنها می‌توان به سـه‌گانه اخراجی‌ها و محتوایی که با این فیلم، به سینمای جنگ الصاق شد و خیلی به مذاق مخاطب خوش آمد، اشاره کرد.

در این دهه، فیلم‌های مهمی مانند اشک سرما، ارتفاع پست، دوئل، گیلانه، به رنگ ارغوان، به نام پدر، شب‌بخیر فرمانده، اتوبوس شب، روز سوم، سینه سرخ، ۳۳ روز و فرزند خاک، پرچم سینمای دفاع مقدس را بالا نگه داشتند.

تعبیر وارونه یک رویا در دهه ۹۰

در دهه ۹۰، شـکل معادله به کلی تغییر پیدا کرد. نظام سـرمایه در سـینما به سـمت بخش خصوصی متمایل شد و برای نخسـتین‌بار، نهادهای دولتی، با ریاضت‌های مالی بسـیار، کرسـی تعدد آثار را به بخش خصوصی واگذار کردند. سـرمایه‌های بسیاری از این بخش به سینما تزریق شد که البته اعتقاد یا توجهی به سـینمای دفاع مقدس نداشتند. عمده این سـرمایه‌ها در خدمت ملودرام‌ها و کمدی‌هایی بود که یا ساختار جهانی شدن داشتند و یا سود خوبی را در گیشه و البته پشت‌صحنه تولید، برای صاحبان آن به همراه می‌آوردند.

در همین کش‌وقوس، سـینمای دفاع مقدس، یک زیرشـاخه مفهومی به نام سینمای مقاومت به خود دید. حاتمی‌کیا تا حدودی به این سمت گرایش پیدا کرد که البته هیچ‌گاه نتوانست به آن جریان‌سازی مطلوب مورد انتظار دست یابد؛ گرچه وی هنوز هم بزرگ‌ترین نماینده به‌جامانده از دوران نبوغ این گونه از سینمای دفاع مقدس به حساب می‌آید. سینمای مقاومت هر چه که نداشت، سبب رونق حداقلی بیان ارزشی در سینمای این دهه شد. گونه دفاع مقدس که دیگر واقعا به فراموشی سپرده شده بود و گاهی در جشنواره فیلم فجر نیز حتی یک نماینده هم به خود نمی‌دید، با این نگاه، به تولید چند فیلم در سال رسید.

سـینمای مقاومت هر چه که نداشـت، سـبب رونق حداقلی بیان ارزشی در سـینمای دهه ۹۰ شـدبرخی نهادهای دولتی نیز با کنار گذاشتن نگاه سنتی و محتاط، عزمی جدید در شـکل حمایت خود از این پروژه‌ها را آغاز کردند و سبب شد تا حداقل سـینمای مقاومت به نمایندگی از سینمای دفاع مقدس دیروز، به تولیداتی سـالانه برسد. البته باید به این نکته مهم اشاره داشت که سینمای دفاع مقدس امروز، همچنان در وضعیت انزوای عجیب خود قرار دارد. متاسفانه حامیان این سـینما و به ویژه سـازندگان این گونه آثار، نتوانستند از پس خط‌کشی‌های مرسـوم حزبی خارج شوند و عموم این آثار در یک نگاه سیاسی خلاصه شده که طرفداران خاص خود را دارند. بسـیاری از فیلم‌های دفاع مقدس امروز که متعلق به سینمای مقاومت هسـتند، با نقد طرف سیاسی مقابل مواجه شده و برچسب سفارشی‌سازی بر پیشانی تمامی این فیلم‌ها نقش بسته است.

جریان سینوسـی سـینمای دفاع مقدس طی چهار دهه نخست حیات خود، چندان با سیاسـت پیش نرفت. در تمام این سـال‌ها، برخی نگاه‌های به اصطلاح حمایت‌گرانه، سـبب تخریب این سینما و موضع‌گیری جریان مقابل شد. در کنار اینکه مسئولان سـینمایی وقت نیز هیچ برنامه‌ای برای نجات این گونه وطنی از خود نشان ندادند.

در تمام این سال‌ها، افق دیگر گونه‌ها با ارتقای مفهومی همراه بود اما سینمای دفاع مقدس با همان شـکل ابتدایی، مدیریت و حمایت شد؛ از پخش چندین‌باره تلویزیونی آثار تا جوایزی که به شکلی سفارشی به آنها تعلق گرفت و البته اظهار نگرانی‌هایی که همواره از کاهش تولیدات این گونه بر زبان مسئولان جاری می‌شد. دوقطبی شـدن یک دهه اخیر سـینمای ایران، میان کمدی و ملودرام و سـهم سینمای دفاع مقدس در این بازی، زمان مرده اکران شد و البته همان برچسب‌های همیشگی نظیر سینمای نفتی، سینمای دولتی و...

سـینمای مقاومت، می‌توانست سومین جریان‌سـازی گونه دفاع مقدس طی سه دهه اخیر باشد. در حرکت جریان‌ساز نخست، یک هژمونی افسارگسیخته‌ای در دهه ۶۰ به سـمت سـینمای جنگ گرایش یافت که مردمی بود. در حرکت جریان‌ساز دوم، جسـارت برای پرداخت آدم‌های به جا مانده از جنگ، در نتیجه حرکت‌های خودجوش نوابغ سـینمای جنگ بود که با تحسین حداکثری مواجه شـد اما سـینمای مقاومت، با یک جبهه‌گیری کار خود را آغاز کرد و نتوانسـت به یک جریان مردمی و موردپسـند عامه تبدیل شـود. در آسیب‌شناسی چنین رخدادی، می‌توان به توان لجسـتیکی محدود، نبـود روایت‌های خلاقانه و البته سیاست‌گذاری‌های اشتباهی که این گونه را تماما دولتی معرفی کردند، اشاره کرد.

سینمای دفاع مقدس طی این دوره، با بسط مفهومی خود به سینمای مقاومت، خالی از آثار شـاخص نبود. ملکه، بزرگمرد کوچک، شور شیرین، روزهای زندگی، بوسیدن روی ماه، ضدگلوله، شیار ۱۴۳، ۵۰ قدم آخر، معراجی‌ها، دریاچه ماهی، مزار شریف، بدون مرز، سرو زیر آب، تنگه ابوقریب، ویلایی‌ها، ۲۳ نفر و آبادان یازده ۶۰، از جمله این آثار محسوب می‌شوند.

ابراهیم حاتمی‌کیا البته یکی از جریان‌سـازترین چهره‌های سینمای مقاومت در دهه ۹۰، با چ، بادیگارد و به وقت شـام، نقش تاثیرگذاری در تبیین انگاره‌های سینمای مقاومت در پازل جدید سینمای جنگ داشت.

حرکت به سوی کمال

درسـت در نقطه‌ای که گمان می‌شد، تنها گونه وطنی سینمای کشور، به آخر خط رسـیده و باید از این پس، تنها شاهد تکرار مکررات باشیم، موقعیت مهدی ظهور کرد؛ فیلمی که روایت یک پوست‌اندازی کمال‌گرایانه در آغاز پنجمین دهه حیات این گونه محسوب می‌شد.

فیلمی که نقاط عطف جریان‌سازی دهه‌های قبل سینمای جنگ را به صورت توامان در خود می‌دید؛ هم نتیجه قیامی خودجوش در روزگار سونامی ملودرام و کمدی بود و هم از سینمای مقاومت سخن می‌گفت.

البته که قالب بیوگرافی اثر و ابتکارهایی که در شکل روایی و البته بصری فیلم به کار بسـته شد، سهم قابل‌توجهی در این موفقیت محسوب می‌شود؛ اتفاقی که حـالا می‌توان از آن به عنوان حیات نوین سـینمای جنگ در آغاز پنجمین دهه حیات خود تفسیر شود.

حرکتی که با تحسین مخاطبان و منتقدان، قطعا در قالب جریان‌سازی چهارم این گونه، در مقام صف‌شـکن ظاهر شده و با الگوسازی، زمینه را برای تداوم این خط فکری در میان فیلمسـازان دغدغه‌مند این حوزه فراهـم می‌آورد. تاثیرات محتوایی و جریان‌سازی موقعیت مهدی، در آینده‌ای نزدیک، به جریان فاخر و بارز این گونه تبدیل شده و موفقیت‌های بسیاری را نصیب آن خواهد کرد.

مجید انتظامی:

برای ساخت موسیقی فیلم‌ها تیر خوردم و شیمیایی شدم

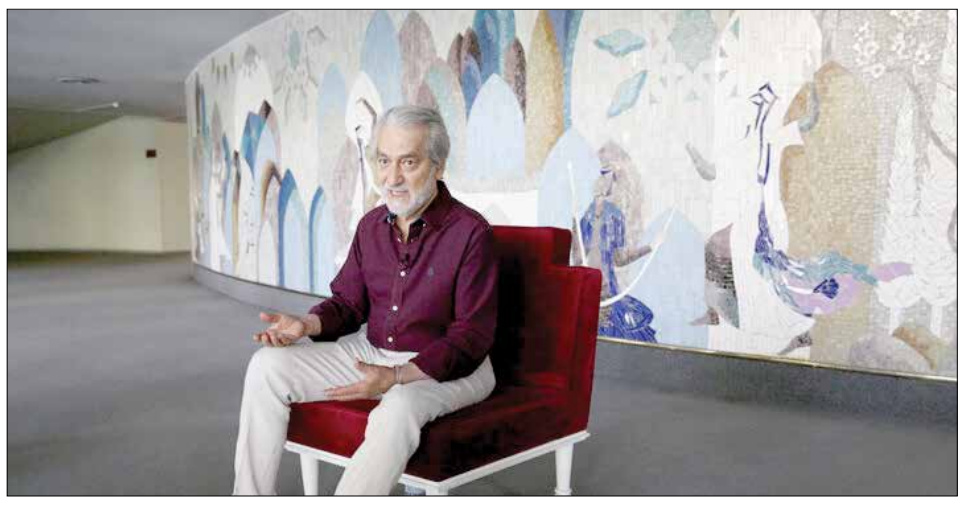

آهنگساز و رهبر ارکستر با اشاره به چگونگی ساخت موسیقی فیلم‌ها و محبوبیت آنها گفت: برای سـاخت موسـیقی فیلم‌ها ریاضت کشـیدم، با شـخصیت‌های آنها زندگی کـردم، اگر به شخصیتی در فیلم تیر اصابت کرده، به من هم تیر اصابت کرده اسـت، به همین دلیل موسیقی این فیلم‌ها از قلب من جوشیده است.

بـه گزارش ایرنا، ارکسـتر ملی ایران «همـراه با خاطره‌ها» برگزیده آثار مجید انتظامی را به مناسبت هفته دفاع مقدس، در تالار وحدت اجرا می‌کند، برگزیده آثار این آهنگسـاز به رهبری وی پس از یک دهه دوری از صحنه با همکاری مشـترک بنیاد رودکی، انجمن موسـیقی ایران و دفتر موسیقی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی اجرا می‌شـود؛ ایـن رویداد موسیقایی پیش از این قرار بود از ششم تا هشتم مهرماه ساعت ۲۱ در تالار وحدت اجرا شـود که به دلیل استقبال مخاطبان و اتمام بلیت‌های اجرا، «همراه با خاطره‌ها» تا دهم مهرماه تمدید شد، تمامی بلیت‌های این اجرا به پایان رسیده است.

«سمفونی حماسه خرمشـهر»، «از کرخه تا راین»، «آژانس شیشه‌ای»، «بوی پیراهن یوسـف»، «دیوانه‌ای از قفس پرید»، «آرزوی بزرگ»، «جایی برای زندگی»، «شیخ بهایی» و «دوئل» قطعات این اجرا هسـتند؛ این درحالی اسـت که اجرای قطعه سمفونی خرمشـهر به صورت کامل، برای نخستین بار صورت می‌گیرد.

در این رویداد، ارکستر ملی ایران با ترکیبی از سازهای ایرانی و کلاسـیک، خاطره‌انگیزترین آثار مجیـد انتظامی را می‌نوازد. همچنیـن گروه کُر بنیاد رودکی به رهبـری رازمیک اوحانیان، ارکستر ملی ایران را در این اجراها همراهی می‌کند.

مجید انتظامی درباره رویداد موسیقایی «همراه با خاطره‌ها» و نقـش او به عنوان آهنگسـاز در فیلم‌های مطرح و پرفروش و محبوبیت این فیلم‌ها به واسـطه آهنگسازی او به خبرنگار ایرنا اظهارداشـت: این برداشتی که موسیقی از فیلم بهتر بوده، شاید زیاد درست نباشـد، من این تم‌ها و موسیقی‌ها را از دل فیلم‌ها بیرون آوردم، این فیلم حتما یک موضوع و مفهومی داشته است که این تم از آن بیرون آمده اسـت، بنابراین این گونه نمی‌توان گفت که موسیقی یک چیز جدابافته بوده است.

وی گفت: اگر موسیقی یک چیز جدابافته بود، شایسته فیلم نبوده اسـت، همه بخش‌های آن با فیلـم مطابقت دارد و بر آن اثرگذار اسـت. برای ساخت موسیقی فیلم‌ها ریاضت کشیدم، با شخصیت‌های فیلم‌ها زندگی کردم، اگر به شخصیتی در فیلم تیر اصابت کرده، به من هم تیر اصابت کرده اسـت، اگر او شیمیایی شده، من هم شیمیایی شدم، به همین دلیل موسیقی این فیلم‌ها از قلب من جوشیده و بیرون آمده است.

انتظامی افزود: حتما آن افرادی که این موسیقی‌ها را دوست دارند، قلبشـان برای وطنشان می‌تپد، دلشـان می‌خواهد این مملکت آباد بماند، آباد باشـد و همه ما باید دست به دست هم بدهیـم ایران را بزرگ کنیم، ایـن موضوع‌هایی بوده که در این فیلم‌ها وجود داشـته اسـت من اینها را با زبان موسـیقی بیان کردم، من عاشـق وطنم هسـتم، همه مردم اگر از ایران بروند، من نمی‌روم، من می‌مانم، فکر نکنید زندگی در این شرایط برای من آسان اسـت، برای من هم سخت است اما باید بمانیم چون اینجا خاک ماست. این رهبر ارکستر درباره استقبال قابل توجه مخاطبان از رویداد موسـیقایی «همراه بـا خاطره‌ها» و تمدید روزهای اجرای آن بیان کرد: مسـئولان برگزارکننده برنامه ابتدا از من درخواست کردند که یک شب دیگر آن را تمدید کنند که پذیرفتم، برای بار دوم هم چنین درخواسـتی داشتند که گفتم اول اجازه بدهید ببینیم شـب اول اجرا بـه خیر می‌گذرد، بعد تمدید کنید، از اینکه دوستانم، شنونده‌هایی که موسیقی‌هایم را دوست دارند، مرا در این مدت و در این کنسرت تنها نگذاشتند و حمایت کردند، از آنان تشکر می‌کنم، هیچ گونه تبلیغاتی برای این کنسرت صورت نگرفت و خوشبختانه با توجه به اینکه دو شب به اجرای ارکستر اضافه شده، همه بلیت‌ها به فروش رفته است. خوشحالم از اینکه افرادی هستند که از موسیقی جدی حمایت می‌کنند، موسـیقی فیلم را دنبال می‌کنند و آن را دوست دارند و من را تنها نگذاشـتند. وی در پاسخ به اینکه چگونه توانستید ایـن همه محبت مردم را به خودتان جلب کنید؟ گفت: من هم مردم را دوسـت دارم، عاشـق این ملت هستم، چنین رابطه‌ای بین مردم را در هیچ کجای دنیا پیدا نمی‌کنید، سال‌ها در آلمان درس خواندم و زندگی کردم، نمی‌دانستم همسایه من چه کسی است اما اینجا مثلا برای خرید نان می‌روید، یک ساعت با نانوایی صحبت می‌کنید، به گونه‌ای دل‌ها به یکدیگر نزدیک است، باور کنید آن شبی که این اتفاق افتاد و این خانم (مهسا امینی) فوت کرد تا صبح بیدار بودم، ایشـان را ندیده بودم و نمی‌شناختم اما ایـن اتفاق آنقدر روی من اثر منفی گذاشـت، به خانواده اش و به مردم خوبمان تسلیت می‌گویم. انتظامی درباره نبود خواننده در رویداد موسـیقایی «همراه با خاطره‌ها» اظهارداشت: در همه کنسرت‌ها، خواننده حضور دارد، موسیقی به عقیده من توان قابل توجهی برای بیان مفاهیم دارد، خواننده کاری را انجام می‌دهد و آن چیزی را می‌خواند که ارکستر می‌گوید، مردم ما می‌توانند از موسـیقی بدون کلام هم آن برداشت را داشته باشند، در رویداد موسیقایی «همراه با خاطره‌ها»، با اینکه اصرار می‌کردند که حتما در دو قسمت خواننده حضور داشته باشد حتی در اجرای «بوی پیراهن یوسف» که وکال مرد هست، فکر کردم یک برنامه بدون حضور خواننده اجرا کنیم.

آهنگساز فیلم «از کرخه تا راین» افزود: خوشحالم از یک نظر که از رویداد «همراه با خاطره‌ها» استقبال شده اما ناراحتم که ۱۰ سال گذشت و آن موقعی که پرانرژی و فعال بودم و می‌توانستم کار کنم، کار نکردم، اکنون که تمام جانم درد می‌کند، نمی‌دانم که حضور ۲ سـاعت سـر صحنه برای رهبری ارکستر را طاقت مـی‌آورم یا خیر، از این نظر خیلی ناراحت هسـتم از اینکه آن گونه‌ای که دلم می‌خواهد و با انرژی کار کنم، کارها پیش نرود، در زمان رهبری ارکسـتر همچون جوان ۲۵-۲۰ ساله هستم و مشکلی ندارم، امیدوارم شب کنسرت هم همین گونه باشد.

وی درباره چرایی فعالیت نکردن طی ۱۰ سال اخیر بیان کرد: این موضوع دلایل مختلفی دارد، بهتر اسـت که انسان یک کم سکوت کند، در جایی زندگی می‌کنیم که اگر اکنون گلویم بگیرد و سرفه کنم، هزار موضوع پس آن مطرح می‌شود، بنابراین بهتر است که سکوت کنم اما همین که بنیاد رودکی، وزارت فرهنگ و ارشاد، برای برگزاری رویداد «همراه با خاطره‌ها» همه نیرویشان را گذاشتند، هر چه که نیاز دارم، تهیه کنند و این کنسرت برای من استرس‌زا نباشد، قابل تقدیر است؛ برای من اینجا همه چیز مهیاست، هر سازی که می‌خواهم، مهیا می‌شود و سعی می‌کنند تا مشکلی در این زمینه نداشته باشم. اگر مشکل کاری هست، به من ارتباط دارد اما حداقل مشکل نوازنده، ساز و... را نداشته باشم.

انتظامی افزود: تنها مشکل ما سقف باز تالار وحدت است که مشکل‌زا است، سقف شکسته است بنابراین نوازندگان سازهایی همچون سازهای کوبه‌ای و مسی که عقب کنسرت می‌نشیند و گروه کُر، اینها صداهایشـان به دلیل اینکه ۶۰، ۷۰ متر آن بالا خالی است و از صحنه خارج می‌شود و برای اینکه صدای آنها به صحنه بازگردد، مجبور هستند در خواندن و اجرایشان اگزجره و قوی‌تر کنند که یک تعادلی برقرار شود.

رهبر ارکستر رویداد موسـیقایی «همراه با خاطره‌ها» درباره همکاری نصیر حیدریان در این اجرا اظهارداشت: حیدریان انسان بی‌نظیری است، برای اینکه من زیاد خسته نشوم، به صورت گروه گروه با نوازندگان ارکستر کار کرده و آنان را برای اجرا آماده کرده اسـت، تمرین‌ها هم قبل از اجرای رسـمی با حضور و همکاری نصیریان انجام می‌شود، اگر مورد و مشکلی در حین تمرین پیش بیاید ایشان اعلام و پیگیری می‌کنند و بابت همکاری نصیریان با ارکستر قدردانی می‌کنم، او به ۸۰ نوازنده و هنرجوی هنرستان به صورت خصوصی بدون هیچ دسـتمزد و قـراردادی آموزش می‌دهد، ۱۸ نفر از ایـن هنرجویان که در این مجموعه فعالیت می‌کنند، پیشرفت قابل توجهی داشتند که در ارکستر من حضور دارنـد و می‌توانند در آینده به صورت مسـتقل فعالیت کنند یا جذب کنسرت‌های مختلف شوند.

انتظامی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه ساز تخصصی شما اُبوا است، احتمال دارد در ارکستر پیش رو، قسمتی را برای اجرای قطعه‌ای با این سـاز اختصاص دهید؟ گفت: من خیلی دلم برای این ساز تنگ شده است، از کلاس پنجم، ششم، این ساز را به من دادند، الان ۷۵ ساله هستم، سال‌های متمادی این ساز در دست من بوده اسـت و با آن زندگی می‌کردم، جوان‌تر که بودم روزی هشت ساعت برای اینکه همسایه‌ها ناراحت نشوند، در داخل کمد ساز می‌زدم یعنی انقدر با آن مانوس بودم. متاسفانه سازهایی که بـه ما می‌دادند به دلیل اینکه خراب بود، مجبور بودیم خیلی به آن فشار بیاوریم، اکنون انگشت شست من دچار دررفتگی شده است، دیگر نمی‌توانم این ساز را در دستم نگه دارم، بنابراین یکی دو سال است که ساز نمی‌زنم، آن را نوازش می‌کنم، خاک‌هایش را پاک می‌کنم و با آن حال می‌کنم.

وی در پاسخ به این سوال که سازهارپ (چنگ) را چه کسی در رویداد موسیقایی «همراه با خاطره‌ها» می‌نوازد؟ بیان کرد: در این ارکسـتر سازهارپ به صورتی که خط خاصی داشته و سولو باشد، نداریم، سـازهارپ داریم که در ارکستر توسط نوازندگان جوان اجرا می‌شود. این آهنگساز درباره فعالیت‌های آینده خود افـزود: کار جدیدی را می‌خواهم آغاز کنـم اما فعلا باید رویداد موسـیقایی «همراه با خاطره‌ها» تمام شود و بعد فکر کار آینده باشم.